



ضرورت تقدیر قَسَم مضمَر و شبه قَسَم
در ترجمه فارسی و انگلیسی قرآن کریم
جلال الدین جلالی

چکیده

مطالعات و پژوهشهایی که تاکنون پیرامون مقوله قسم انجام شده است عمدتاً بر محور ساختار و انگیزه‌های قسم از دیدگاه‌های فلسفی به ویژه کارگفت (Speech Act) در چهارچوب رشته‌های جامعه‌شناسی زبان و روان‌شناسی زبان صورت گرفته است، ولی این پژوهشها قسم را از جنبه تطبیقی و مقایسه‌ای در زبانهای مبدأ و هدف بررسی نکرده و راهکاری به مترجم در جهت ایجاد تعادل و جایگزینی ارائه نداده‌اند. در این نوشتار کوشش شده است تا ضمن بررسی مقوله قسم از دیدگاه‌های متفاوت و در عین حال تکمیلی، شیوه‌های شناخت و تشخیص گونه‌های قسم و بایسته‌های ترجمه این مقوله نحوی - بلاغی در قرآن کریم و چگونگی جایگزین‌سازی آن با توجه به ظرفیت‌های موجود در زبان هدف ارائه گردد. این فرایند باید به گونه‌ای به سرانجام برسد که گویشور زبان مقصد درک و تأثیرپذیری همانندی را از متن دریافت نماید. تحقق این امر برای مترجم تنها از طریق مطالعه و بررسیهای تطبیقی زبان‌شناختی میسر می‌شود. چنانچه مترجم تشخیص و دریافت درست و بجایی از یک مقوله زبانی / فرازبانی نداشته باشد، بدون شک در فرایند انعکاس و جایگزینی با معضلات و دشواریهایی روبه‌رو خواهد شد. نتیجه این عمل ارائه متنی معیوب و فاقد اصالت زبان هدف به مخاطب خواهد بود. این معضلات و کاستیها در بررسی برگردان‌های فارسی و انگلیسی قسم و شبه قسم آیه‌ها مورد توجه و امعان نظر بیشتری قرار

□ ۵ ضرورت تقدیر قَسَم مضمَر و شبه قَسَم ...

گرفته‌اند. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که قسم مظهر (آشکار) به لحاظ موجودیت آن در متن زبان مبدأ قابلیت جایگزینی در زبان هدف را دارد، ولی در برگردان قسم مضمَر یا مقَدَّر، مترجمان به علت دریافت سطحی و احتمالاً عدم شناخت درست از قسم مضمَر، معادل‌هایی را پیشنهاد کرده‌اند که باعث نمود تفاوت‌هایی در نظام معنایی پیام زبان مبدأ شده است. این رهیافت توجه مترجم قرآن کریم را به اهمیت این نکته جلب می‌کند تا ضمن شناخت ماهیت قسم به ویژه گونه مضمَر و شبه قسم، تقدیر آنها را در زبان هدف (فارسی / انگلیسی) به کار برد.

واژگان کلیدی: کارگفت، خبر، انشاء، قسم مظهر، قسم مضمَر، شبه قسم

مقدمه

قسم به عنوان سازوکار تأکید کلامی با هدف و انگیزه جلب اعتماد مخاطب (مخاطبان) و نیز قطعیت و قاطعیت دادن به رخداد فعل‌های گفتمان همواره مورد استفاده ملل، نژادها، زبانها، فرهنگ‌ها و باورهای اعتقادی متفاوتی قرار گرفته است. قسم آرایه و پیرایه ادبی و نشانه‌ای از سبک شیوایی است که به مدد آن محتوای خبری فعل جمله برجسته می‌شود و مورد تأکید قرار می‌گیرد. سابقه و پیشینه قسم به زمانی پیش از قدم نهادن انسان به این پهنه خاکی باز می‌گردد که آدم ابوالبشر فریب قسم‌ها و وعده‌های دروغین شیطان را خورد (اعراف، ۲۰-۲۱) و در این دنیا به نوعی اسیر و سوسه‌ها و قسم‌های فریبنده شیطان گردید. این نوع قسم‌ها تا پس از حیات دنیوی نیز ادامه خواهد داشت؛ تا زمانی که مشرکان با خیال واهی و به قصد فریب دادگاه الهی در آخرت قسم‌های دروغین یاد می‌کنند (انعام، ۲۲-۲۳).

این آیات یادآور این واقعیت تاریخی‌اند که قسم در مبدأ و منتهای زندگانی انسان به عنوان سازوکار اعتمادسازی با واسطه قرار دادن موجودی مقدس در زدایش تردید و نیز تأیید و اثبات ادعای متکلم مورد استفاده سخنوران قرار گرفته است. این نیاز به جلب اعتماد و تأکید و دریافت بازخورد تأیید از جانب مخاطب (مخاطبان)، زمینه کاربرد قسم را فراهم می‌کند. این عنصر نحوی - بلاغی را می‌توان از منظرهای متفاوت و در عین حال مکمل مورد بررسی و بازنگری قرار داد.

از منظر نحوی، قسم رایج‌ترین و بالاترین درجه تأکید و استوارسازی کلام به شمار

□ ۶ ترجمان وحی

می‌رود (زرکشی). به طور کلی، نحویان قسم را پاره‌گفتاری می‌دانند که به واسطه آن خبر مؤکد می‌شود. از سویی، اندیشمندان علم کلام تأکید را ویژگی و فایده قسم می‌دانند و به گمان آنان این ویژگی تنها معیار و ملاک تشخیص قسم است. این اندیشه تا آنجا پیش می‌رود که زرکشی ادعا می‌کند: «هر یک از فرموده‌های خداوند را که در قرآن با هدف تأکید آمده است باید قسم تلقی کرد» (زرکشی، ج ۳). در مورد سنخیت و اعتبار این ادعا جای بسی درنگ و تأمل است.

از نظر علمای علم اصول، قسم جمله تام به حصر عقلی (جمله انشایی) است؛ چرا که در قسم ایجاد معنا از قصد متکلم محقق می‌شود. بنابراین چنین جمله‌ای قابلیت صدق و کذب را ندارد؛ هر چند مطلبی را که متکلم بر آن قسم یاد می‌کند ممکن است متصف به کذب باشد، ولی خود قسم از جهت انشایی بودن قابل کذب و یا صدق نیست.

از دیدگاه روان‌شناسی، قسم بر روح و روان مخاطب و متکلم تأثیر متقابل می‌گذارد. این تأثیر ممکن است مثبت یا منفی باشد. چنانچه نوع تأثیر ناشی از صداقت (مثبت) باشد، در آن صورت نوعی اطمینان، آسایش و آرامش خیال را به طرفین سخن انتقال می‌دهد. (Crystal, 2001). در صورتی که قسم بر اساس فریب و ریا باشد، مسلماً اثرات مخرب و ویران‌کننده‌ای از جمله اضطراب و افسردگی را بر روان خواهد گذاشت. در مواردی قسم به عنوان پاسخ و بازتابی به تنش و اضطراب به کار گرفته می‌شود. در شرایط تنش‌زا قسم ماهیت وجودی خود را از دست می‌دهد. بنابراین قسم را می‌توان کاهنده اضطراب و نگرانی دانست. از سویی، چون هدف متکلم رفع شبهه و برقراری اطمینان در ذهن مخاطب است، این امر به نحوی زمینه ذهنی مساعدی را در کاهش تنش و اضطراب فراهم می‌کند.

جامعه‌شناسان زبان (sociolinguists)، قسم را ساز و کار ارتباط زبانی اجتماعی می‌دانند. این رویکرد قسم را به لحاظ ارتباطات اجتماعی با اهمیت معرفی کرده است. از این رو، در بسیاری از جوامع به ویژه جوامع غربی، قسم از جهتی بیانگر فاصله اجتماعی است و از دیگر جهت نشانگر همبستگی و انسجام جمعی. از این رو ابراز قسم نشان‌دهنده نوعی هویت بخشی اجتماعی تلقی می‌شود. متداول‌ترین الگوی قسم آن الگویی است که همواره بر روی مخاطب حاضر اثرگذار باشد. این تأثیرگذاری به تعداد و شمار مخاطبان بستگی دارد، که هر چه مخاطبان بیشتر باشند، بسامد و شدت قسم بیشتر می‌شود. ولی در صورت

□۷ ضرورت تقدیر قَسَم مضمَر و شبه قَسَم ...

غیبت مخاطب (مخاطبان)، قسم یا ماهیت وجودی خود را از دست می‌دهد یا حداقل از ارزش تأکیدی و ارتباطی آن کاسته می‌شود.

فلاسفه زبان از جمله «جان سرل» قسم را نوعی کارگفت تعهدی و التزامی تلقی می‌کنند. این تعهد و التزام در بیشتر جوامع از جمله جامعه عرب هنجاری مثبت تلقی می‌شود. از این رو، یادکننده قسم تکیه‌گاه کلام خود را بر هنجاری که از نظر اجتماعی مقبول و پسندیده است قرار می‌دهد. به باور «جان سرل»، فیلسوف زبان، قسم نوعی کارگفت تعهدی و التزامی است (Searl, J, 1979) اکثر اندیشمندان در مورد قسم بر این نکته اتفاق نظر دارند که قسم با هدف تقویت سخن متکلم و قطعیت رخداد فعلها به کار گرفته می‌شود.

در این نوشتار، نخست تأملی بر مفهوم و گونه‌های قسم صورت می‌گیرد، سپس به شرایط و چگونگی ادای قسم و اینکه در خلال این فرایند چه امری باعث تأکید کلامی می‌شود، پرداخته خواهد شد. در بخش دیگر، ترجمه‌شناختی مقوله قسم و ادات ویژه قسم و نیز پیامدهای معناشناختی آنها مورد بررسی قرار خواهد گرفت. همچنین به تأثیرگذاری تقدیر قسم مضمَر (مقدّر) در متون ترجمه شده فارسی و انگلیسی و نیز شرایط حاکم بر فرایند سخن تمرکز موضوعی خواهد شد. ولی پیشتر ذکر این نکته را ضروری می‌دانیم که پرسش انگیزشی مرتبط با این موضوع را مطرح کنیم: چنانچه یک عنصر زبانی مانند قسم در زبانی (قرآنی) مستتر باشد و مترجم در فرایند رمزگشایی از تشخیص آن به دلایلی باز بماند، چه پیامدهایی در انتقال پیام به دنبال خواهد داشت؟

برای یافتن پاسخ این سؤال، ضمن تحدید موضوع، بررسی را با ارائه هشت نمونه قسم مظهر (آشکار)، ده نمونه از قسم مضمَر یا مقدّر و دو نمونه از گونه شبه قسم همراه با برگردان‌های فارسی و انگلیسی آغاز کردیم. در این بررسی به ترتیب از ترجمه‌های فارسی و انگلیسی طاهره صفارزاده، محمد مهدی فولادوند، کاظم پورجوادی، یوسف علی، ایروینگ و پیکتال استفاده شده است. در بخش پایانی (نتیجه) به بررسی علل و انگیزه‌های انعکاس قسم مظهر و تبعات ناشی از تشخیص ناصواب قسم مضمَر در زبان مبدأ که نهایتاً به مغفول‌ماندن این پدیده در هم‌تنیده معنا محور نحوی - بلاغی منجر می‌شود پرداخته خواهد شد. در سرانجام این بررسی، راهکار عملی با توجه به ظرفیت‌های موجود زبانهای فارسی و انگلیسی پیشنهاد خواهد شد.

مفهوم قسم

نظر به اینکه تعریف جامع و فراگیری از هیچ کلیدواژه‌ای نه ضرورت دارد و نه امکان پذیر است، تا حد ممکن تلاش می‌شود مفهوم قسم را از منظر علمای علم اصول و زبان‌شناسان و نیز فلاسفه زبان، از جمله «جان سرل»، ارائه و مورد بررسی قرار دهیم.

قسم عبارت است از مؤکد و مقید کردن سخن به موجودی ارزشمند با هدف پایبندی به مفاد سخن و نیز انطباق محتوای کلام و حالت قصدی و روان‌شناختی متکلم. به لحاظ لغوی، قسم به معنای «قطع کردن» است؛ قطع در نفی شک و شبهه و گفتار قاطعی که حق و ناحق را از یکدیگر متمایز می‌سازد. قسم به عنوان مقوله زبانی جهانشمول یکی از سازوکارهای تأکید در سخن از دیرباز به انگیزه برقراری زمینه اطمینان و جلب اعتماد مخاطب (مخاطبان) مورد استفاده گویشوران زبانهای متفاوت بوده است. در اصطلاح نحویان، قسم سخنی است اعم از خبر، طلب یا انشاء که با نام کسی یا چیزی که مقدس و مورد احترام است، مؤکد می‌شود و رابطه خاصی بین قسمتی از خبر یا انشاء برقرار می‌نماید و بر ارزش و مکان آن می‌افزاید.

قسم یا بر جمله خبریه درمی‌آید مانند سخن حق تعالی در آیه ۲۳ سوره مبارکه «ذاریات» که می‌فرماید: «فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ» و یا بر جمله طلبیه مانند: سخن حق تعالی در آیه‌های ۹۲ و ۹۳ سوره کریمه حجر «فَوَرَبِّكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ. عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ». گاهی مراد از قسم تحقیق مقسم علیه است که در این صورت از باب خبر می‌آید و در مواردی منظور از قسم، تحقیق قسم است. بنابراین هدف متکلم از قسم در اینجا تأکید و تحقیق مقسم علیه است.

عالمان علم اصول و زبان‌شناسان که جمله را واحد ارتباطی زبان می‌دانند در طبقه‌بندی اولیه جملات را به تام و ناقص تقسیم می‌نمایند. از نظر آنان جمله‌ای که تمام معنا و مقصود متکلم را افاده کند جمله تام است و جمله ناقص به جمله‌ای اطلاق می‌شود که حامل پاره‌ای از پیام و مقصود متکلم باشد. از منظر علم اصول، جمله تام از ماده و هیئت تشکیل می‌شود. ماده همان مفردات جمله است و هیئت، ترکیب و تألیف خاص مفردات معین است. توجه داشته باشیم که هیئت جمله برای معنای خاصی غیر از معنای مفردات وضع و شکل می‌پذیرد. در تقسیمی دیگر، جمله تام، به حصر عقلی، به دو جمله خبری و انشایی طبقه‌بندی می‌شود. انشاء گفتاری است که دلالت بر امری می‌کند که حادث شده یا می‌شود و قابل صدق و

□ ۹ ضرورت تقدیر قَسَم مضمَر و شبه قَسَم ...

کذب نیست، ولی خبر حکایت از تقریر تثبیت امری می‌کند که در موطن خود ثابت است و به عنوان یک گزاره قابلیت صدق و کذب را دارد. توضیح اینکه در گزاره‌های خبری توصیف و تبیین واقعیت، هم به شیوه مستقیم صورت می‌پذیرد و هم به شیوه غیرمستقیم؛ در حالی که در انشائیات به طور مستقیم به انتقال پیام پرداخته می‌شود. تفاوت اخبار و انشاء به قصد متکلم مربوط می‌شود. در یک طبقه‌بندی، جملات انشایی به دو گونه تقسیم شده‌اند: الف: جملاتی که مختص به انشاء‌اند مانند: صیغه‌های فعل امر، نهی، جملات استفهامی، تمنی و ترجیحی. ب: جملاتی که میان انشاء و اخبار مشترکند مانند: جملات «خریدم» و «فروختم» که مربوط به مرحله دلالت تصدیقی (دلالت لفظ بر نیت و قصد متکلم) و قصد و حال متکلم است. به طور کلی، به جملاتی که بازتابنده واقعیت‌های قابل تحقق در خارج‌اند جملات خبری و به جملاتی که واقعیت را وجودی مستقل از زبان تصور می‌کنند و به عبارتی زبان را ایجاد کننده واقعیت فرض می‌کنند، جملات انشایی گفته می‌شود. علی‌رغم تفاوت نظرگاه‌های علما پیرامون اخبار و انشاء مبتنی بر دلالت تصویری یا دلالت تصدیقی اجماع بر این امر وجود دارد که جمله تام در هر حال یا خبری است یا انشایی.

«جان سرل» (Searl, J, 1979)، فیلسوف زبان، قسم را نوعی کارگفت التزامی یا تعهدی (Commissive Speech Act) می‌داند. در این کارگفت، متکلم (یادکننده قسم) با درجات متفاوت ملزم و متعهد به انجام کاری در آینده می‌شود. از طرفی، حالت روان‌شناختی متکلم قصد است.

به طور کلی قسم را می‌توان یکی از سازوکارهای تأکید در کلام دانست که به انگیزه زدایش شک و تردید مورد استفاده متکلم قرار می‌گیرد. البته نوع کلام (جمله) از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، ولی کافی به نظر نمی‌رسد. آنچه در تحلیل سخن به ما در شناخت قسم مدد می‌رساند حالت قصدی متکلم است.

ساختار و گونه‌های قسم

هرچند نحویان در بحث از حروف مفرده و ادات شرط و نیز در بحث از اجتماع شرط و قسم، به قسم اشاره داشته‌اند، ولی به طور جداگانه و مستقل به این مقوله چالشی نپرداخته‌اند. قسم تنها به عنوان مؤکد مورد نظر نحویان و علمای علم بیان قرار گرفته است. همین امر

باعث شده است تا بیشتر مترجمان قسم را با تأکید اشتباه بگیرند و از تمایز معناشناختی آن غفلت کنند.

به طور متعارف و معمول، قسم از دو پاره‌گفتار تشکیل می‌شود: قسم و جواب قسم. معمولاً این دو پاره‌گفتار باهم ترکیب و مکمل یکدیگر می‌شوند. عناصر تشکیل دهنده جمله قسم عبارتند از: مقسم، مقسم‌به و مقسم‌له. آیات ۱ تا ۴ سوره مبارکه یاسین نمونه بارز قسم است که می‌فرماید: «يَس. وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ. إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ. عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ».

در این آیه‌ها «وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ» جمله قسم است و «إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ» جواب قسم. نمونه دیگر آیه ۷۲ سوره شریفه حجر است که می‌فرماید: «لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ» لَعَمْرُكَ قسم است و إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ جواب قسم. توجه داشته باشیم که جمله قسم گاه اسمیه است و گاه فعلیه. چنانچه جمله قسم اسمیه باشد (۷۲-۱۵)، در آن صورت «لَعَمْرُكَ» که مرکب از مبتدا و خبر است، خبر آن محذوف است. تقدیر این گروه واژه «لَعَمْرُكَ قَسَمِي» است. در اینجا مبتدا نقش مقسم‌به را ایفا می‌کند. البته ذکر یا حذف هر یک از دو پاره گفتار اعم از قسم یا جواب قسم تحت شرایط خاص و حسب مقتضیات گفتمانی صورت می‌پذیرد.

در شرایطی که جمله قسم فعلیه باشد، در آن صورت جمله از سه عنصر یعنی فعل قسم، مقسم‌به (موجودی که به آن قسم یاد می‌شود) و ادات قسم (واژگی که معنای قسم را به مقسم‌به ربط می‌دهد)، تشکیل خواهد شد. در مثال فوق از سوره مبارکه یس «الْقُرْآنِ الْحَكِيمِ»، مقسم‌به؛ «و» واژگ قسم است و فعل قسم که «أقسم» است در این آیه محذوف است.

در بیشتر موارد، ذکر هر دو پاره‌گفتار (قسم و جواب قسم) نشان‌دهنده قسم صریح یا مظهر است. نمونه قسم مظهر آیه آغازین سوره شریفه تین است. این مدعا لزوماً بدین معنا نیست که در قسم مظهر همیشه قسم و جواب قسم ذکر می‌شوند، بلکه در مواردی قسم مذکور ولی جواب قسم محذوف می‌شود. آیه‌های آغازین سوره‌های «فجر» و «ق» نمونه‌هایی از این نوع قسم مظهرند.

چنانچه متکلم قسم را از کلام حذف کند و فقط به جواب قسم اکتفا کند، در آن صورت به چنین (پاره) گفتاری قسم مضمر یا مقدر گفته می‌شود. البته این تنها مشخصه قسم مضمر نیست، چه بسا در مواردی دیده می‌شود که در قسم مضمر، معنا بر قسم محذوف دلالت می‌کند. و بالأخره اینکه واژگانی در زبان (قرآن) هستند که به ظاهر نشانگر قسم نیستند، ولی

□ ۱۱ ضرورت تقدیر قَسَم مضمَر و شبه قَسَم ...

از آثار و ویژگی قسم بر خوردارند. این گونه واژگان، شبه قسم را در کلام به وجود می‌آورند. نمونه‌هایی از این سه نوع قسم در قرآن کریم به وفور دیده می‌شود، ولی به جهت محدودیت بحث، در بخش بررسی ترجمه به ذکر شماری از آنها پرداخته خواهد شد.

شیوه‌های قسم

قسم به عنوان روش بیان کلام قاطع و بلیغ مورد توجه زبان‌شناسان، علمای علم کلام و بلاغت و نیز فلاسفه زبان قرار گرفته است. قرآن پژوهان بر این باورند که در قرآن برای قسم از الفاظ و شیوه‌های گوناگونی استفاده شده است. این الفاظ و شیوه‌ها عبارتند از:

۱. واژگهای قسم (ادات قسم) مانند: «و، ل، ت، ب»

۲. کاربرد آلیت،

۳. ادات تأکید مانند ترکیب دو واج ل + ن

۴. سیاق کلامی،

۵. واژگان شبه قسم

توجه داشته باشیم، با وجود اینکه در قسم از ادات تأکید استفاده می‌شود، ولی این ادات محدود به دو واج (ل-ن) می‌شود که نهایتاً قسم مضمَر را در پی خواهند داشت. کاربرد ادات تأکیدی یاد شده به منظور ادای قسم انجام می‌شود نه صرف تأکید. بنابراین در برگردان فارسی و انگلیسی آیه‌هایی که در برگیرنده قسم مضمَرند استفاده از سازوکار تأکید منجر به اختلاف در نظام معنایی پیام می‌شود.

بررسی برگردان‌های فارسی و انگلیسی

مقدمه

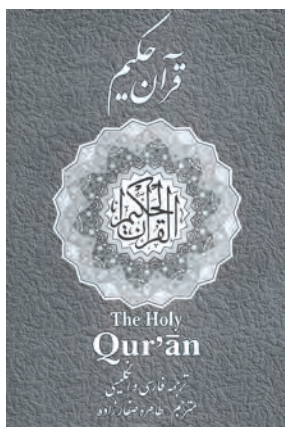
پیشتر عنوان شده بود که هدف از کاربرد قسم تأکید و تحقیق مقسمٌ علیه است. در چنین شرایطی، قسم صریحاً به کار گرفته می‌شود. به این گونه قسم، قسم مظهر (آشکار) گفته می‌شود. چنانچه در سخن بیش از حد معمول و متعارف از قسم استفاده شود، به طور معمول فعل قسم حذف و به ادات «باء» بسنده می‌شود. در مواردی از «واو» برای اسمهای ظاهر، و از «تاء» به همراه اسم «الله» استفاده می‌شود. قسم یا بر جمله خبریه در می‌آید یا بر جمله طلبیه. گاهی مراد از قسم تحقیق مقسمٌ علیه است، که در این صورت از باب خبر می‌آید و گاهی

□ ۱۲ ترجمان وحی

هدف از آن تحقیق قسم است. در یک طبقه بندی، قسم یا مظهر (آشکار) است یا مضمهر (مقدّر، پنهان). در قسم مظهر، پاره‌گفتارهای قسم و جواب قسم به کار گرفته می‌شوند، ولی در قسم مضمهر پاره‌گفتار قسم حذف می‌شود. در مواردی معنا دلالت بر قسم محذوف می‌کند. آنچه باید در نظر گرفت حالت قصدی متکلم در بیان سخن است.

قسم صریح (مظهر)

در قسم مظهر، به طور معمول دو عنصر اصلی یعنی جمله قسم و جواب قسم ذکر می‌شوند. در نظر داشته باشیم در این نوع قسم گاهی یک یا چند واحد زبانی حذف می‌شود. نمونه‌های قسم صریح در قرآن بسیارند ولی به دلیل محدودیت بحث و پرهیز از اطاله و تکرار کلام به ذکر و بررسی هشت مورد پرداخته می‌شود. خاطر نشان می‌شود، گزینش آیه‌ها بدون هدف قبلی و به صورت تصادفی صورت گرفته است. در آغاز هر نمونه، ابتدا به ذکر آیه، سپس برگردان‌های فارسی و انگلیسی آن و سرانجام به بررسی و ارزشیابی متون ترجمه شده پرداخته خواهد شد.



۱. ۱. «يَسْ. وَ الْقُرْآنِ الْحَكِيمِ. إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ. عَلِي صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (یس، ۱-۴)
یا - سین. سوگند به قرآن، کتاب حکمت آموز که تو [ای محمد(ص)] از پیامبران الهی هستی که مردم را به راه راست هدایت می‌کنی؛ (صفارزاده، ص ۱۰۲۱)
یا - سین، سوگند به قرآن حکمت آموز که قطعاً تو از (جمله) پیامبرانی، بر راهی راست. (فولادوند)
یا - سین. سوگند به قرآن حکمت آموز که تو از پیامبرانی و در راه راست. (پورجوادی)

Ya-Sin. By the Qur'an, full of wisdom, Thou art indeed one of the messengers, On a Straight Way. (Yusuf Ali, 440)

Y.S. By the Wise Reading, you are an emissary [sent] along a Straight Road (Irving, 440)

Ya Sin. By the wise Qur'an, Lo! Thou art of those sent On a straight path, (Pickthall, 433)

□ ۱۳ ضرورت تقدیر قَسَم مضمَر و شبه قَسَم ...

در این آیه‌ها، آیه دوم قسم است و آیه سوم جواب قسم. از جهت اینکه پاره گفتارهای قسم و جواب قسم باهم ترکیب و مکمل یکدیگر شده‌اند، قسم مظهري را به مخاطب انتقال می‌دهند. برگردان این نوع قسم در زبانهای فارسی و انگلیسی به لحاظ شباهت و سازوکارهای همسنگ به راحتی امکان‌پذیر است.

در برگردان‌های فارسی، انتقال قسم، صرف نظر از تفاوت‌های معنایی که ذکر آنها خارج از حوزه بررسی حاضر است، به وضوح منعکس شده است. ضمناً تأکید موجود در آیه دوم با حفظ تعادل واژگانی - ساختاری نیازمند جایگزینی مناسب است. سایه روشن این تعادل در ترجمه خانم صفارزاده به چشم می‌خورد، ولی فولادوند با به کارگیری واژه «قطعاً» جایگزین مناسب‌تری را پیشنهاد داده است. چنین ویژگی در ترجمه پورجوادی ملاحظه نمی‌شود.

در برگردان‌های انگلیسی، مترجمان با استفاده از واژه by و اسم مورد نظر موفق به انتقال قسم به مخاطب انگلیسی‌زبان شده‌اند. افزون بر این، یوسف‌علی با به کارگیری واژه indeed تأکید موجود در آیه را (که ایروینگ و پیکتال از آن غفلت کرده‌اند) به درستی منعکس کرده است. در ترجمه ایروینگ علاوه بر خلأ تأکید، حروف مقطعه و معادل پیشنهادی برای واژه «قرآن» قابل تأمل است.

۱. ۲. «وَالصَّافَاتِ صَفًا. فَالزَّاجِرَاتِ زَجْرًا. فَالتَّالِيَاتِ ذِكْرًا. إِنَّ إِلَهَكُمْ لَوَاحِدٌ» (صافات، ۱-۴)

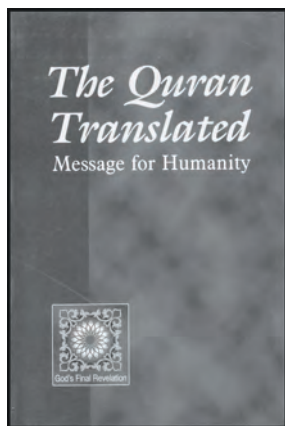
سوگند به فرشتگانی که برای اطاعت اوامر خداوند صف می‌کشند / سوگند به فرشتگان دفع‌کننده بدیها و شیطانها / سوگند به فرشتگان تلاوت‌کننده اذکار الهی و رساننده وحی پیامبران / سوگند به همه این سوگندها که محققاً معبود شما آن خداوند بی‌همتا و یکتاست. (صفارزاده، ص ۱۰۳۷)

سوگند به صف بستگان - که صفی (باشکوه) بسته‌اند و به زجرکنندگان - که به سختی زجر می‌کنند و به تلاوت‌کنندگان (آیات الهی) که قطعاً معبود شما یگانه است. (فولادوند)
سوگند به صف‌آرایان و بازدارندگان بازدارنده و تلاوت‌کنندگان ذکر که معبود شما مسلماً یکتاست. (پورجوادی)

By those who range themselves in ranks, Those who so are strong in repelling (evil), Those who thus proclaim the Message (of Allah)! Verily, verily your God is One! (Yusuf Ali, 446)

As the Ranks are drawn up, rebuking with restraint and reciting a Reminder, your God is One [Alone], (Irving, 446)

By those who set the ranks in battle order And those who drive away (the wicked) with reproof And those who read (the Word) for a reminder, Lo! thy Lord is surely One; (Pickthall, 440)



در این آیات کریمه علاوه بر قسم مظهر، تأکیدی در آیه چهارم آمده است. از مترجمان انتظار می‌رود تا ضمن کاربست قسم، تأکیدی را در زبانهای هدف (فارسی و انگلیسی) جایگزین نمایند که کنش و واکنش‌های منطقی بین عناصر سازمانی و آرایشی کلام به وجود آورد تا خواننده متن را در بازشناسی روابط معنایی یاری نماید. در ترجمه فارسی آیه‌ها، صرف نظر از تفاوت‌های ساختاری و بافتاری، دو ویژگی قسم و تأکید به درستی منعکس شده است. این مهم در برگردان انگلیسی

یوسف علی و پیکتال به وضوح مشاهده می‌شود. در ترجمه ایروینگ قسمی به کار برده نشده ولی با استفاده از واژه Alone به نوعی تأکید موجود در زبان مبدأ بدون توجه به معنای گفتمانی جایگزین شده است.

۱. ۳. «فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِي مَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ...» (نساء، ۶۵)

نه! سوگند به آفریدگار - پروردگارت که ایمان آنها به ثبوت نمی‌رسد، مگر اینکه در اختلافات خود تو را به داوری قبول کنند. (صفارزاده، ص ۱۸۳)

ولی چنین نیست، به پروردگارت قسم که ایمان نمی‌آورند، مگر آنکه تو را در مورد آنچه میان آنان مایه اختلاف است داور گردانند، ... (فولادوند)

چنین نیست، به پروردگارت سوگند که آنها ایمان نمی‌آورند مگر آن که در اختلافات خویش تو را به داوری بخوانند. (پورجوادی)

But no by thy Lord, they can have no (real) Faith until they make thee judge in all disputes between them. (Yusuf Ali, 88)

Yet by your Lord, they will never believe until they name you to judge concerning what they are quarreling over among themselves; (Irving, 88)

But nay, by thy Lord, they will not believe (in truth) until they make thee judge of what is in dispute between them (Pickthall, 83)

□ ۱۵ ضرورت تقدیر قَسَم مضمَر و شبه قَسَم ...

از سیاق و قرینه آیه چنین می توان استنباط کرد که منافقان وانمود می کردند به خدا و رسول ایمان دارند، ولی خداوند می فرماید: «فَلَا وَرَبِّكَ» = نه این طور نیست که آنان گمان می کنند. این کلام مؤکد به نفی است و نیز مؤکد به قسم. واژه «لا» برای تأکید و جواب به کار گرفته شده است. در نتیجه «فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ...» را به تقدیر «فَوَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ...» می توان در نظر گرفت. معنای «فلا» برابر است با: لیس کما تزعمون انهم يؤمنون، و «وربک» برابر با «اقسم بالله» است. ضمیر متصل «ک» به اسم «رب» ضمیر تشریفیه است و حکایت از مقام والای مخاطب دارد. انعکاس این سازوکار همراه با کارکردهای معنایی موجود در زبانهای فارسی و انگلیسی امکان پذیر است. تنها در مورد ضمیر متصل تشریفیه، مترجم به مدد توضیح در پانوشتها می تواند در انتقال و انعکاس این ویژگی به مخاطب در زبان هدف کمک نماید.

صفا زاده، فولادوند و پورجوادی موفق به انعکاس مؤکد نفی و مؤکد قسم شده اند، ولی در برگردانهای یوسف علی و ایروینگ هر دو مؤکد را در یک گروه واژه به کار گرفته اند. در مورد ضمیر متصل تشریفیه هیچ یک از مترجمان نقش برجسته این ضمیر را برای مخاطبان خود منعکس نکرده اند. گمان می رود عدم اطلاع مترجمان از ضمیر تشریفیه در زبان قرآن، باعث غفلت آنان از این عنصر تمایز دهنده نحوی - معنایی شده است.

۱. ۴. «فَوَرَبِّكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ. عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ. (حجر، ۹۲-۹۳)

پس سوگند به آفریدگار - پروردگارت [ای پیامبر] که محققاً ما همه آنها را مورد مؤاخذه قرار خواهیم داد. (صفا زاده، ص ۵۷۸)

پس سوگند به پروردگارت که از همه آنان خواهیم پرسید، از آنچه انجام می دادند. (فولادوند)

به پروردگارت سوگند که از کردار همه خواهیم پرسید. (پورجوادی)

Therefore, by thy Lord, we will, of a surety, call them to account, For all their deeds. (Yusuf Ali, 267)

By your Lord, We shall question them all about whatever they have been doing! (Irving, 267)

Then, by thy Lord, We shall question, every one, Of what they used to do. (Pickthall, 249)

«فَوَرَبِّكَ» در این مقال را به معنا و مفهوم: «پس به حرمت خدا»، می توان در نظر گرفت.

مخاطب این آیه کریمه حضرت پیامبر (ص) است، و مبنی بر تسلیت خاطر آن حضرت از نظر تشریف قسم یاد شده است. واژگ آغازین / ل / در جمله واره «لَنْسَأَلَنَّهُمْ» عمل سؤال کردن را مؤکد می‌نماید. این جمله واره مفهوم وعده و وعید را می‌دهد. از جهتی توبیخ و سرزنش را از آنچه از آن عصیان کرده بودند به مخاطب انتقال می‌دهد.



در برگردان‌های صفارزاده، فولادوند، یوسف‌علی و پیکتال قسم و تأکید به درستی معادل سازی و جایگزین شده است. پورجوادی و ایروینگ نیز قسم را به نوعی منعکس کرده‌اند، لیکن متن‌ها دربرگیرنده تأکید و سازوکار انسجام (cohesion) که کارکرد انتقال موضوعی و نتیجه را سبب می‌شود، نیستند.

۱. ۵. «و تَاللّٰهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَامَكُمْ بَعْدَ أَنْ تُوَلُّوا مُدْبِرِينَ»

(انبیاء، ۵۷)

[و در دل با خود گفت:] «و به خدا سوگند که در غیاب

شما طرح و نقشه‌ای علیه بت‌های شما خواهم کشید». (صفارزاده، ۷۳۷)

و سوگند به خدا که پس از آنکه پشت کردید و رفتید، قطعاً در کار بتانتان تدبیری خواهم کرد. (فولادوند)

و سوگند به خدا در غیاب شما برای بت‌هایتان نقشه طرح خواهم کرد. (پورجوادی)

And by Allah, I will certainly plan against your idols after ye go away and turn your backs. (Yusuf Ali, 326)

By God, I am planning to confound your idols once you have turned your backs! (Irving, 326)

And, by Allah, I shall circumvent your idols after ye have gone away and turned your backs. (Pickthall, 313)

برای درک درست و بجایی از انگیزه و علت قسم ارجاع به آیه‌های پیشین در بسیاری از موارد راهگشا و کارساز می‌شود. براین اساس با مراجعه به آیه ۵۲ همین سوره، آیه را توأم با موعظه و پند و اندرز مشاهده می‌کنیم. در آیه ۵۴ با نوعی سرزنش و نکوهش مواجه می‌شویم. ولی چون راهبردهای موعظه و سرزنش مؤثر واقع نمی‌شوند، در آیه ۵۷ راهبرد

□ ۱۷ ضرورت تقدیر قَسَم مضمَر و شبه قَسَم ...

عملی اتخاذ می شود که همان شکستن بُت هاست. از طرفی چون عزم و اراده آهنین برای انجام کار لازم است، به جهت قطعیت تصمیم و عملی شدن طرح، کلام با قسم همراه می شود. واژگ / ت / به اصطلاح علم نحو تاء قسم است. توجه داشته باشیم، هر یک از ادات قسم کارکرد معنایی خاص خود را به مخاطب انتقال می دهد. در این آیه / ت / علاوه بر انتقال معنای قسم، معنای نهفته ای دارد که در دیگر ادات قسم به چشم نمی خورد. واژگ قسم / ت / فقط با نام مبارک الله به کار گرفته می شود و در واقع انتقال دهنده نوعی شگفتی است. این قسم به ذات ربوبی است، چون الله اسم ذات است که مستجمع همه کمالات و منزله از جمیع عیوب و نواقص است. در برگردان این آیه، هم معنای ویژه قسم و التزامی بودن آن، و هم شگفتی از اینکه حضرت ابراهیم (ع) چگونه با دست خالی در عصر نمرود بُت پرست و ستمگر به چنین اقدامی که ممکن است جان او را به خطر بیندازد دست بزند منعکس شده است. انعکاس این ویژگی تمایز دهنده در زبانهای فارسی و انگلیسی به طور صریح، تقریباً امکان پذیر نیست، ولی ذکر توضیحات در پاورقی می تواند تا اندازه ای به انعکاس معنا کمک کند. در این فرموده خدا سه ماده کلامی تعبیه شده است که عبارتند از: قسم، لام تأکید و نون مؤکده (قسمی که موجب وجوب فعل می شود).

آن گونه که انتظار می رفت، در همه برگردان ها قسم به گونه ای منعکس شده است، لیکن به مخاطبان و ویژگی متمایز واژگ قسم / ت / و التزامی بودن آن انتقال داده نشده است. همچنین کارکرد معنایی نون مؤکده در این برگردان ها انتقال داده نشده است. فولادوند و یوسف علی با به کارگیری واژه های «قطعاً» و «certainly» تأکید موجود در آیه را به درستی منعکس کرده اند.

۱. ۶. «قَالُوا تَاللّٰهِ لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا جِئْنَا لِنُفْسِدَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كُنَّا سَارِقِينَ» (یوسف، ۷۳)

آنها گفتند: «به خدا قسم، خودتان می دانید که ما به قصد تباهی و فساد اینجا نیامده ایم و ما دزد نیستیم». (صفا زاده، ص ۵۲۱)

گفتند: به خدا سوگند، شما خوب می دانید که ما نیامده ایم در این سرزمین فساد کنیم و ما دزد نبوده ایم. (فولادوند)

گفتند: به خدا سوگند می دانید که ما در این سرزمین نیامده ایم تا فساد کنیم و ما دزد نیستیم. (پورجوادی)

(The brothers) said: By Allah! Well ye know that we came not to make mischief in the land, and we are no thieves! (Yusuf Ali, 244)

They said: "By God, you [ought to] know we have not come here to cause any trouble in the land. We are not thieves!" (Irving, 244)

They said: By Allah, well ye know we came not to do evil in the land, and are no thieves. (Pickthall, 226)

قسم جلاله سه نوع است: / ب / ، / ت / و / و مانند: بالله، تالله، والله و در باب مرافعه که فرمود: «البينة على المدعى واليمين على من انكر»، چنانچه مدعی بینه اقامه نکرد، حاکم حکم قسم صادر می‌کند. برادران یوسف برای تبرئه خود این قسم را یاد کردند: «... ما جئنا لِنُقْسِدَ فِي الْأَرْضِ...» به معنای اینکه نه جاسوس بودیم و نه به خیال جنگ آمده بودیم. این پاره گفتار به دنبال قسم توأم با شگفتی «تالله» آمده است. گویا از تهمتی که به آنها بسته بودند متعجب شده بودند. از این رو قسم تالله را که بیانگر شگفتی است بیان کردند.

علی‌رغم استفاده از قسم در برگردان‌های فارسی و انگلیسی، ویژگی تالله از جمله حالت شگفتی و اینکه قسم به ذات ربوبی اشاره دارد، نه در متن ترجمه و نه در پاورقی ملاحظه نمی‌شود. به طور کلی، مترجمان در انعکاس قسم موفق بوده‌اند، ولی در جایگزینی قسم در زبانهای هدف با بر خورداری از ویژگیهای یاد شده توفیق نداشته‌اند.

۱. ۷. «وَيَجْعَلُونَ لِمَا لَا يَعْلَمُونَ نَصِيبًا مِّمَّا رَزَقْنَاهُمْ تَاللَّهِ لَتُسْأَلُنَّ عَمَّا كُنتُمْ تَفْتَرُونَ» (نحل، ۵۶)

و [این بت پرستها] برای بت‌ها که علمی ندارند، سهمی از آنچه ما روزی‌شان مقرر فرمودیم از کشت و چهارپایان قائل می‌شوند. سوگند به خداوند که شما به واسطه افترايي که می‌بندید مورد بازخواست قرار خواهید گرفت؛ (صفا زاده، ص ۵۹۴)

و از آنچه به ایشان روزی دادیم، نصیبی برای آن (خدایانی) که نمی‌دانند (چیست) می‌نهند. به خدا سوگند که از آنچه به دروغ بر می‌بافتید، حتماً سؤال خواهید شد. (فولادوند) آنها از سر نادانی برای بتانی که ادراک ندارند از روزیشان سهمی را قرار می‌دهند. به خدا سوگند در برابر این دروغها بازخواست خواهید شد. (پورجوادی)

And they (even) assign, to things they do not know, a portion out of that which We have bestowed for their sustenance! By Allah, ye shall certainly be called to account for your false inventions. (Yusuf Ali, 273)

They assign a portion of what We have provided them with, to something they do not know (by God, you shall be questioned about whatever you have been inventing)! (Irving, 273)

□ ۱۹ ضرورت تقدیر قَسَمِ مضمَر و شبه قَسَم ...

And they assign a portion of that which We have given them unto what they know not. By Allah! but ye will indeed be asked concerning (all) that ye used to invent. (Pickthall, 255)

در این آیه «يَجْعَلُونَ لِمَا لَا يَعْلَمُونَ نَصِيبًا مِّمَّا رَزَقْنَاهُمْ» جمله عطف و مبنی بر توبیخ است. «تَاللَّهِ لِنَسْأَلَنَّ عَمَّا كُنْتُمْ تَفْتَرُونَ» مبنی بر توبیخ و تهدید است و خداوند قسم یاد کرده است که برای هر یک از اندیشه‌های بی پایه و اساس آنها که از روی عناد و اسائه ادب به ساحت مقدس پروردگار نسبت داده‌اند قطعاً مورد مؤاخذه و عقوبت قرار خواهند گرفت.^۱ کلمه «ما» در جمله واره «لِمَا لَا يَعْلَمُونَ» موصوله و به معنای «التی» است که اشاره به اصنام (بُت‌ها) می‌کند. لَا يَعْلَمُونَ به مشرکان برمی‌گردد. پس از توبیخ و ملامت، تهدیدشان کرده و فرموده است: «... تَاللَّهِ لِنَسْأَلَنَّ عَمَّا كُنْتُمْ تَفْتَرُونَ».

مخاطب در برگردان‌های فارسی و انگلیسی نوعی تهدید و توبیخ را از فحوای کلام درک می‌کند و قَسَمی را که در آن وعده‌ای مبنی بر مؤاخذه و بازخواست مشرکان در فردای قیامت محقق می‌شود در متن ملاحظه می‌نماید. کاربرد قسم در برگردان‌های فارسی و انگلیسی شاید به دلیل مظهر (آشکار) بودن قسم باشد.

۱. ۸. «فَلَا أُقْسِمُ بِمَا تُبْصِرُونَ. وَمَا لَا تُبْصِرُونَ. إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ» (حاقه ۳۸ الی ۴۰)

سوگند به آنچه شما انسانها قادر به دیدن آن هستید، به عالم شهود، و سوگند به آنچه که نمی‌توانید ببینید، به عالم غیب، که محققاً این قرآن به پیامبری و الامرته وحی شده است؛ (صفارزاده، ص ۱۳۷۴-۱۳۷۵)

پس نه (چنان است که می‌پندارید)، سوگند یاد می‌کنم به آنچه می‌بینید و آنچه نمی‌بینید، که (قرآن) قطعاً گفتار فرستاده‌ای بزرگوار است. (فولادوند)
پس سوگند به دیده‌ها و نادیده‌ها که بی‌تردید این قرآن کلام رسول بزرگوار است. (پورجوادی)

So I do call to witness what ye see. And what ye see not, That this is verily the word of an honoured messenger; (Yusuf Ali, 568)

Yet I swear by whatever you observe and what you do not observe, that it is a statement [made] by a noble messenger. (Irving, 568)

But nay! I swear by all that ye see And all that ye see not That it is indeed the speech of an illustrious messenger. (Pickthall, 582)

۱. انوار درخشان در تفسیر قرآن، ج ۹، ص ۴۷۱.

واژک «لا» به تعبیری نفی و رد گفتار و ادعای مشرکان است که قرآن را ساخته و پرداخته پیامبر می‌گفتند.^۱ نیز به نقل از جبائی گفته‌اند چون قسم به غیر خدا جایز نیست، لذا واژک «لا» نفی «تُبْصِرُونَ وَمَا لَأَنْ تُبْصِرُونَ» است؛ یعنی به آنچه می‌بینید و آنچه نمی‌بینید قسم نمی‌خورم، بلکه به آفریننده آنها قسم یاد می‌کنم.^۲ جواب قسم این پاره گفتار آیه ۴۰ همین سوره است که می‌فرماید: «إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ». ضمیرِ اِنَّهُ اشاره به قرآن می‌کند. از آنجایی که قسم خوردن به هیچ کس و هیچ چیز به غیر از خدا جایز نیست، در وضعیت و شرایطی که رو ساخت کلام نشان دهنده قسم به مخلوق (مصنوع) است، بدون شک معنای نهفته آن کلام، قسم به خالق (صانع) است. رعایت این نکته در ترجمه آیات قرآن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

در یک نگاه، قسم در همه برگردان‌های فارسی و انگلیسی به گونه‌ای تعبیه شده است. تأکید و ارجاع ضمیر «اِنَّهُ» به قرآن (آیه ۴۰) در برگردان‌های فارسی به درستی منعکس و جایگزین شده است. در ترجمه‌های انگلیسی، مورد تأکید را یوسف علی و پیکتال با استفاده از واژگان verily و indeed منعکس کرده‌اند، ولی در ارجاع ضمیر «اِنَّهُ» آن طور که انتظار می‌رود عمل نشده و تنها از ضمیر خنثی it استفاده شده است.

در مورد نقش معنایی «لا» صفارزاده چون قسم را به عالم شهود و عالم غیب معطوف کرده، از انعکاس نقش معناشناختی «لا» صرف نظر نموده است. فولادوند در ابتدای متن به این مورد پرداخته و با استفاده از توضیح بین هلالین مفهوم را با نفی ادعای مشرکان و کافران آغاز کرده است. پورجوادی قسم را به دیده‌ها و نادیده‌ها منعطف کرده و از ارجاع «لا» به آیات پیشین خودداری کرده است. در ترجمه‌های انگلیسی قسم به دیده‌ها و نادیده‌ها آمده است. ایروینگ و پیکتال «لا» را به صورت نفی تعبیر منعکس کرده‌اند. مسئله تعجب‌آور و در عین حال قابل تأمل، برگردان ایروینگ از آیه ۴۰ است که قرآن را ساخته و پرداخته پیامبر معرفی کرده است! این تعبیر غلط مخاطب را به انحراف معنایی می‌کشاند و به معنای مراد خدشه وارد می‌کند.

قسم مضمَر (مقَدَّر)

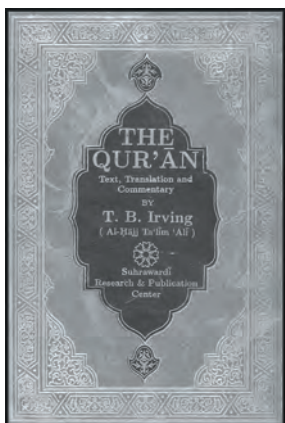
پیشتر در مورد قسم مضمَر (مقَدَّر) یا پنهان، به صورتی کوتاه نکاتی مطرح شد. در اینجا به

۱. تفسیر خسروی، ج ۸، ص ۳۶۹.

۲. تفسیر عاملی، ج ۸، ص ۳۴۸.

□ ۲۱ ضرورت تقدیر قَسَم مضمَر و شبه قَسَم ...

ذکر نمونه‌هایی از این نوع قسم و معضلات تشخیص و تقدیر آن پرداخته می‌شود.



۱. ۲. «لَعْمُرْكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ» (حجر، ۷۲)

سوگند به جان عزیزت ای پیامبر، کسانی که عذاب بر آنها نازل شد، شدیداً در بی‌خبری و مستی حیران و سرگردان بودند، (صفازاده، ص ۵۷۵)

به جان تو سوگند که اینها در مستی خود سرگردان بودند. (فولادوند)

به جان تو سوگند که اینها در مستی خود سرگردانند.

(پورجوادی)

Verily, by thy life (O Prophet), in their wild intoxication, they wander in distraction to and fro. (Yusuf Ali, 266)

Upon your life, they were groping along in their darkness (Irving, 266)

By thy life (O Muhammad) they moved blindly in the frenzy of approaching death. (Pickthall, 248)

کلمه «عَمْرُ» صریح در قسم است و مبتدأ است و خبر آن محذوف است و / ل / آغازین آن برای تأکید بیشتر آمده است. بنابراین «لَعْمُرْكَ» قسم است و «إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ» جواب قسم. با توجه به ساختار قسم در زبان قرآن، آیه را به نوعی می‌توان جمله قسم اسمیه دانست که مبتدای آن «لَعْمُرْكَ» و خبر محذوف آن واژه «قَسَمِي» است. طبرسی تقدیر بخش نخست آیه را «لعمرك مما أقسم به»^۱ بیان داشته است. این گونه قسم فقط یک بار در قرآن ذکر شده است. خداوند موجودی شریف‌تر و گرامی‌تر از حضرت محمد (ص) نیافریده و هرگز به حیات کسی جز حیات آن حضرت سوگند یاد نفرموده است. ضمناً گروه واژه «أَنْهُمْ» به قریش ارجاع داده می‌شود^۲ که ذکر آن در پانوش متن ترجمه مطمئناً به مخاطب در درک بهینه موضوع کمک خواهد کرد.

مترجمان فارسی و انگلیسی در انعکاس قسم موفق بوده‌اند، ولی تذکر چند نکته لازم به

۱. تفسیر جوامع الجامع، ج ۲، ص ۲۷۰.
۲. ترجمه تفسیر مجمع البیان، ج ۱۳، ص ۲۰۵.

□ ۲۲ ترجمان وحی

نظر می‌رسد. الف: در متن آیه علاوه بر قسم، تأکیدی بر جمله واره دوم شده است که ذکر آن در ترجمه متن ضروری به نظر می‌رسد. ب: آرایش واژگانی قطعاً بر معنا اثرگذار است. بر این اساس برگردان یوسف علی از جهت اینکه واژه Verily را در آغاز پاره گفتار قرار داده است (که در نتیجه دو جمله‌واره را مؤکد می‌کند) ناصواب به نظر می‌رسد. در دیگر ترجمه‌ها تأکید مورد نظر دیده نمی‌شود.

۲. ۲. «وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» (ابراهیم، ۷)

و بخاطر بیاورید زمانی که آفریدگار - پروردگارتان اعلام فرمود: «اگر شکرگزاری کنید، نعمت شما را افزون می‌فرمایم و اگر کفران نعمت کنید مجازات من بسیار سخت است». (صفارزاده، ص ۵۴۹)

و آنگاه پروردگارتان اعلام کرد که اگر واقعاً سپاسگزاری کنید، (نعمت) شما را افزون خواهم کرد و اگر ناسپاسی نمایید، قطعاً عذاب من سخت خواهد بود. (فولادوند)

و پروردگارتان اعلام کرد که اگر شاکر باشید افزونی به شما عطا خواهم کرد و اگر کفران کنید، مجازات من سخت است. (پورجوادی)

And remember! your Lord caused to be declared (publicly): If ye are grateful, I will add more (favours) unto you; But if ye show ingratitude, truly My punishment is terrible indeed. (Yusuf Ali, 256)

So your Lord announced: "If you act grateful, I shall give you even more, while if you are thankless, then My torment will be severe." (Irving, 256)

And when your Lord proclaimed: If ye give thanks, I will give you more; but if ye are thankless, lo! My punishment is dire. (Pickthall, 238)

در این آیه، قسمی در دو جمله‌واره «لَئِن شَكَرْتُمْ / لَأَزِيدَنَّكُمْ» مستتر است. این کلام حاکی از قطعیت افزودن نعمت به آن گروه از افرادی است که شاکر نعمات حق تعالی هستند. قسمی که در این بخش از آیه حذف شده، مقدر آن چنین است: «به عزتم سوگند». قسم دیگری نیز در بخش دوم آیه به کار گرفته شده که خطاب به ناسپاسان است؛ می‌فرماید: «لَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» اگر ناسپاسی کنید، البته عذاب من بی‌گمان بسیار سخت است.^۱ توجه داشته باشیم منظور از کفر در اینجا کفران نعمت (ناسپاسی) است. درست است که در این آیه، هم شرط به کار رفته و هم تأکید، ولی آمیختگی این دو سازوکار منجر به زایش مقوله‌ای به نام قسم

۱. حجة التفاسیر و بلاغ الاکسیر (تفسیر بلاغی)، ج ۳، ص ۲۸۰.

□ ۲۳ ضرورت تقدیر قَسَم مضمَر و شبه قَسَم ...

می‌شود که ویژگی خاص و مستقلی را به وجود می‌آورد. این ویژگی در بسیاری از موارد با تأکید یا شرط زبان عربی تفاوت دارد. بنابراین تعمیم و انعکاس عین عناصر زبانی نه تنها مشکلی از پیش روی مترجم بر نمی‌دارد که معضل جدیدی نیز به وجود می‌آورد.

ملاحظه می‌شود که در همهٔ برگردان‌ها از سازوکار شرط استفاده شده است. مترجمان واژه «لَئِنْ» را که شرط است عیناً به «اگر» و «if» معادل‌سازی کرده و سازوکار تأکید را به همان شکل منعکس نموده‌اند. متأسفانه این شیوه در زبان فارسی و انگلیسی آن گونه که باید و شاید موجبات قسم را فراهم نمی‌کند؛ از این رو به مترجم در انتقال و انعکاس معنای گفتمانی قرآن یاری نمی‌رساند.

۳. ۲. «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَحْسَنَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ» (عنکبوت، ۷)

و کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، قطعاً قلم عفو بر اعمال بدشان که در گذشته انجام داده‌اند می‌کشیم و برای اعمال نیکشان به بهترین وجه پاداش عنایت می‌فرماییم. (صفارزاده، ص ۹۲۰)

و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، قطعاً گناهانشان را از آنان می‌زداییم و بهتر از آنچه می‌کردند پاداششان می‌دهیم. (فولادوند)

و کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، گناهانشان را می‌زداییم و بهتر از کردار خوبشان پاداش می‌دهیم. (پورجوادی)

Those who believe and work righteous deeds, from them shall We blot out all misdeeds that they have committed, and We shall reward them according to the best of their deeds. (Yusuf Ali, 397)

And those who believe and perform honorable deeds, We will overlook their evil deeds, and reward them with the finest of whatever they have been doing. (Irving, 397)

And as for those who believe and do good works, We shall remit from them their evil deeds and shall repay them the best for that they did. (Pickthall, 388)

در این آیه کریمه پس از جمله‌واره «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» دو قسم مضمَر با ذکر دو تأکید آمده است. قسم اول در فعل جمله‌واره «لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ» (ل + نُكْفِرُ + نَ) و قسم دوم در فعل جمله‌واره «لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَحْسَنَ» با قید دو تأکید (ل + نَجْزِي + نَ). این سازوکار حاکی از قطعیت رخدادهای دو فعل مذکور است که به مخاطب اطمینان می‌دهد گناهان چنین

افرادی زدوده می‌شود و به آنها بهترین پاداش (جزا) عطا خواهد شد.



متأسفانه در هیچ یک از برگردان‌های فارسی و انگلیسی قَسَمی دیده نمی‌شود. علت این کاستی شاید ناشی از عدم شناخت و تشخیص مترجمان از وجود قسم در آیه مذکور باشد. آنچه در این برگردان‌ها قابل ملاحظه است کاربرد سازوکار تأکید با استفاده از واژه «قطعاً» است که بیشتر در ترجمه‌های صفارزاده و فولادوند به چشم می‌خورد، ولی در ترجمه پورجوادی این مسئله دیده نمی‌شود. در برگردان انگلیسی، یوسف‌علی با استفاده از ساختار قلب (inversion) به مخاطب خود تأکید را القاء

می‌کند. در هر حال، تأکید نمی‌تواند کارکرد معنایی قسم را انتقال دهد و احیاناً جایگزین مناسبی به شمار نمی‌رود.

۴. «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّىٰ نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَنَبْلُوَنَّكُمْ» (محمد، ۳۱)

و ما مطمئنأ شما را مورد آزمون قرار می‌دهیم تا معلوم فرماییم که مجاهدان و صابران واقعی در بین شما چه کسانی هستند و خبرها و صفاتی چون صبر و استقامت که به شما نسبت می‌دهند تا چه حد صحت دارد. (صفارزاده، ص ۱۲۰۵)

و البته شما را می‌آزماییم تا مجاهدان و شکیبایان شما را بازشناسانیم و گزارشهای مربوط به) شما را رسیدگی کنیم. (فولادوند)

همه شما را آزمایش می‌کنیم تا مجاهدان و صابرانتان را معلوم کنیم و اخبار شما را بیازماییم. (پورجوادی)

And We shall try you until we test those among you who strive their utmost and persevere in patience; and We shall try your reported (mettle). (Yusuf Ali, 510)

We will test you till We know those who strive among you as well as those who are patient. We will test your reactions. (Irving, 510)

And verily We shall try you till We know those of you who strive hard (for the cause of Allah) and the steadfast, and till We test your record. (Pickthall, 511)

در این آیه برای تأکید و بیشتر نشان دادن روشهای شناخت مؤمنان از منافقان قَسَمی در آغاز تعبیه شده است. توجه داشته باشیم بعد از «ل» در گروه واژه «لَنَبْلُوَنَّكُمْ» قسم مأخوذ

□ ۲۵ ضرورت تقدیر قَسَم مضمَر و شبه قَسَم ...

است. بنابراین خداوند قسم یاد فرموده که شما ایمان آوردگان قطعاً مورد آزمایش قرار خواهید گرفت. نکته قابل تأمل اینکه واژه هم‌ریشه «تَبْلُو» در آخر آیه توأم با قسم بیان نشده است. در مورد معنای مراد واژه «نَعَلَم» از جهت اینکه علم خداوند ازلی و ابدی است، به مؤمنین ارجاع معنایی پیدا می‌کند. = تا اینکه مؤمنان بدانند؛ و یا اینکه خلق خدا مؤمن را از منافق تمیز دهند. مراد از «أَخْبَارَكُمْ» در پایان آیه اعمال (اسرار درونی) انسانهاست؛ چرا که اعمال از این اسرار درون خبر می‌دهند = نفاق و ایمان را بیازماییم.

صفارزاده و پیکتال با استفاده از واژه‌های «مطمئناً» و «verily» تمهیداتی برای ایجاد زمینه مطمئن در ذهن مخاطب اندیشیده‌اند، ولی متأسفانه این شیوه منعکس‌کننده ویژگیهای متعارف قسم در زبانهای فارسی و انگلیسی نیست. در دیگر برگردان‌ها نشانه‌ای از به کار بردن قسم در متون ترجمه شده ملاحظه نمی‌شود.

۵. ۲. «لَتَبْلُوَنَّ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ...» (آل عمران، ۱۸۶)

ای مسلمانان بتحقیق شما با مال و جان خود در معرض آزمایش الهی قرار می‌گیرید... (صفارزاده، ص ۱۵۵)

قطعاً در مالها و جانهایتان آزموده خواهید شد... (فولادوند)

بی‌تردید با اموال و جانتان آزمایش می‌شوید... (پورجوادی)

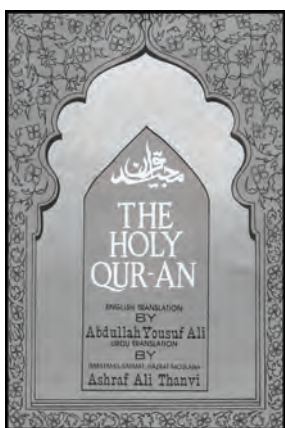
Ye shall certainly be tried and tested in your possessions and in yourselves; (Yusuf Ali, 74)

You will be tested by means of your wealth and through your own selves, (Irving, p.74)

Assuredly ye will be tried in your property and in your persons, ... (Pickthall, 71)

پروردگار در این آیه قسم یاد فرموده که اساس جهان را بر امتحان و آزمایش افراد بشر بنیان نهاده است. خواسته یا ناخواسته حوادث و پیشامدهای ناگوار رخ خواهند داد. چه بسا بیماری و تنگدستی دامنگیر افراد شود و هر یک از آنها وسیله آزمایش انسان شود. انسانها با جان و مالشان مورد آزمایش قرار می‌گیرند. فعل مؤکد به «ل» و «ن» گروه واژه «لتبلون» بیانگر ضرورت قطعی آزمایش و گرفتاری‌هاست. معنا و مفهوم آیه چنین است: به حق

سوگند که البته شما در اموال و دارایی خودتان و نفس و جانهایتان آزمایش می‌شوید...^۱ وجود قسم در این آیه با به کاربردن واژک «ل» در آغاز فعل و واژک «ن» در پایان آن، قطعیت رخداد را برای مخاطب نمایان می‌سازد. از این جهت از مترجمان انتظار می‌رود با استفاده از قسم معنای مراد آیه را به مخاطب انتقال دهند.



در برگردان‌های فارسی و انگلیسی تنها به ذکر سازوکار تأکید پرداخته شده، ولی هیچ یک از مترجمان موفق به انعکاس قسم نشده‌اند. علت این امر شاید ناشی از عدم شناخت آنان از این سازوکار پنهان باشد.

۲. ۶. «وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا»

(مریم، ۷۱)

تمام شما پیامبران به آن محل وارد خواهید شد. این حکم و فرمانی است از جانب آفریدگار - پروردگار تو «ای پیامبر» که تحقق آن حتمی است؛ (صفارزاده، ص ۶۹۰)

و هیچ کس از شما نیست مگر (اینکه) در آن وارد گردد. این (امر) همواره بر پروردگارت حُکمی قطعی است. (فولادوند)

هیچ یک از شما نیست مگر آن که وارد جهنم شود و این حُکم حتمی پروردگار توست. (پورجوادی)

Not one of you but will pass over it: this is, with thy Lord, a Decree which must be accomplished. (Yusuf Ali, 310)

There is not one of you but he will be led up to it. That is a decree determined by your Lord. (Irving, 310)

There is not one of you but shall approach it. That is a fixed ordinance of thy Lord. (Pickthall, 295)

در این آیه وعده‌ای تخلف‌ناپذیر مبنی بر اینکه همه افراد وارد جهنم می‌شوند ذکر شده است. معنای «ورود» در اینجا وصول و اشراف است نه دخول. اگر ورود را دخول در نظر بگیریم، در آن صورت می‌توان گفت که آتش بر مؤمنان سرد و بی‌خطر می‌شود آن گونه که

۱. تفسیر خسروی، ج ۲، ص ۱۲۵.

□ ۲۷ ضرورت تقدیر قَسَمِ مضمَر و شبه قَسَم ...

حضرت ابراهیم (ع) در درون آتش به سلامت ماند؛ آنجایی که خداوند به آتش فرمود: «یا نَارُ کُونِي بَرْدًا وَ سَلَامًا عَلَيَّ اِبْرَاهِيمَ» (انبیاء، ۶۹). البته از سیاق آیه بعدی متوجه می شویم که تقوایبندگان نجات خواهند یافت. نکته قابل بررسی در این حکم و فرمان کبریایی، تأکید و قطعیت رخداده (ورود همه افراد به جهنم) و تقدیر «والله» است که ما را به وجود قسم مضمَر در این کلام رهنمون می شود.

در برگردان های فارسی و انگلیسی، هم تأکید و هم قطعیت رخداده تعبیه شده است، لیکن مخاطبان زبان های فارسی و انگلیسی (قسم خداوند را مبنی بر اینکه همه افراد وارد جهنم می شوند در متن ترجمه احساس نمی کنند. به عبارتی، نشانه ای دال بر وجود قسم در متن ترجمه مشاهده نمی شود. انتظار می رود این کاستی در برگردان های فارسی و انگلیسی با به کارگیری قسم مظهر (آشکار) مرتفع شود.

۷. ۲. «قَالُوا لَنْ نُؤْتِرَكَ عَلَيَّ مَا جَاءَنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالَّذِي فَطَرَنَا فَاقْضِ مَا أَنْتَ قَاضٍ إِنَّمَا تَقْضِي هَذِهِ

الْحَيَاةَ الدُّنْيَا» (طه، ۷۲)

جادوگران گفتند: «ما هرگز تو را بر نشانه های الهی و معجزاتی که به ما رسیده است و بر آفریدگاری که ما را آفریده است ترجیح نمی دهیم؛ پس هر چه می خواهی علیه ما حکم کن، حکم تو تنها در این دنیا اعتبار دارد و بس؛ (صفا زاده، ص ۷۰۹)

گفتند: ما هرگز تو را بر معجزاتی که به سوی ما آمده و (بر) آن کس که ما را پدید آورده است، ترجیح نخواهیم داد، پس هر حکمی می خواهی بکن که تنها در این زندگی دنیاست که (تو) حکم می رانی. (فولادوند)

گفتند: سوگند بر آن که ما را آفریده است، هرگز تو را بر این معجزات واضحی که خودمان ناظر آن بوده ایم ترجیح نمی دهیم. هر حکمی که می خواهی بکن، تو فقط قادر به داوری در زندگی این دنیا هستی. (پورجوادی)

They said: Never shall we prefer thee to what has come to us of the Clear Signs Him who created us! So decree whatever thou desirest to decree; for thou canst only decree (touching) the life of this world. (Yusuf Ali, 316)

They said: "We will never choose you before explanations have come to us nor ahead of the One Who originated us. Decide anything you may decide; you are no judge: You will only decide during this worldly life. (Irving, 316)

They said: We choose thee not above the clear proofs that have come unto us, and above Him Who created us. So decree what thou wilt decree. Thou wilt end for us only the life of the world. (Pickthall, 303)

این آیه کریمه بیانگر وضع مردمی است که دلپایشان آکنده از هیبت و ابهت فرعون بود و چیزی جز خیالهای کاذب و باطل نداشتند. سرانجام این قوم از خواب و خیال بیدار شدند و عشق به خدا در دلپایشان جای گرفت و عزت را جایگزین رذایل نمودند.^۱

این آیه در ارتباط معنایی با آیه ۷۱ است که فرعون ساحران را به قطع دست و پا تهدید کرد و آنها بدون هیچ‌گونه هراسی و با تأکید توأم با قسم گفتند: «لَنْ نُؤْتِرَكَ عَلَى مَا جَاءَنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالَّذِي فَطَرَنَا فَاقْضِ مَا أَنْتَ قَاضٍ...» = گفتند: به خدایی که ما را آفریده، ما هرگز تو را بر نشانه‌های الهی... ترجیح نمی‌دهیم. لَنْ نُؤْتِرَكَ عَلَى مَا جَاءَنَا جواب مقدم است و قسم در معنا نهفته است. ضمناً واژه «لَنْ» بیانگر نفی همیشگی است؛ به این معنا که ما برای همیشه خدا را بر فرعون مقدم می‌داریم.

ساختار این آیه که مشتمل بر ادات تأکید همراه با فعل که حاکی از قطعیت و قاطعیت رخداد فعل‌های مندرج در آن است، دلالت بر وجود قسم می‌نماید. از طرفی چون این قسم را مردمان عادی (ساحران) در جهت انجام عملی (ترجیح و گزینش خدا) ادا کرده‌اند، قسم التزامی تلقی می‌شود. افزون بر آن، قسم به انگیزه تقویت و تأکید کلام در این آیه تعبیه شده است.^۲

با توجه به وجود قسم نهفته در معنا (مضمر) و معنای ویژه کلمه «لَنْ» انعکاس و جایگزینی مناسب این دو عنصر دور از انتظار نمی‌نماید. در برگردان‌های فارسی فقط پورجوادی علاوه بر ذکر تأکید موفق به انعکاس قسم در آغازین بخش سخن شده است. در برگردان‌های انگلیسی بازتابی از وجود قسم به چشم نمی‌خورد. تنها عنصر زبانی قابل توجه ذکر تأکید است که با به‌کارگیری واژه only عینیت پیدا کرده است.

۸. ۲. «إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَاقِعٌ» (مرسلات، ۷)

سوگند به تمام این سوگندها که آنچه به شما درباره قیامت وعده داده شده همه واقع خواهد شد. (صفارزاده، ص ۱۴۲۲)

که آنچه وعده یافته‌اید قطعاً رخ خواهد داد. (فولادوند)

بی‌گمان وعده‌ها واقع شود. (پورجوادی)

۱. تفسیر المیزان، ج ۱۴، ص ۲۵۱.

۲. تفسیر آسان، ج ۱۲، ص ۲۰.

□ ۲۹ ضرورت تقدیر قَسَم مضمَر و شبه قَسَم ...

Assuredly, what ye are promised must come to pass. (Yusuf Ali, 580)

You (all) are surely promised something inevitable. (Irving, 580)

Surely that which ye are promised will befall. (Pickthall, 599)

آیه فوق الذکر واژگ «ما» موصوله و جواب قسم است. آیه اشاره به این نکته دارد که آنچه به شما از اوضاع قیامت و حشر و نشر و باقی امور اخروی وعده داده شده ثابت و واقع است و شک و شبهه‌ای در آن وجود ندارد.^۱ خطاب در «توعدون» به عموم انسانهاست. مراد از «توعدون» وعده‌های قیامت و ثواب و عقاب است. واژه «لواقع» شائبه‌ای از استقرار در آن دیده می‌شود.^۲ در این آیه بر وقوع روز قیامت تأکید شده و این تأکید همراه با تهدید شدیدی به منکران انعکاس یافته است. البته جانب تهدید بیش از سایر جنبه‌ها مورد تأکید قرار گرفته است. انتظار می‌رود قسم پنهانی که در آیه به کار گرفته شده در برگردان فارسی و انگلیسی به نحوی منعکس شود.

ملاحظه می‌شود صفارزاده با درک درست، به طور آشکار و مؤکد از قسم یاد کرده و محقق شدن وعده‌ها را به طور واضح و شفاف با تأکید بیان داشته است. در دیگر برگردان‌ها فقط از سازوکار تأکید استفاده شده است. مسئله تأکید بر وقوع روز قیامت را با قسم مضمَر نباید در هم آمیخت؛ چرا که به خلط معنایی منجر می‌شود. این دو ویژگی (قسم و تأکید) موجود در آیه کارکردهای متفاوتی دارند و نادیده گرفتن هر یک از آنها قطعاً معنا را مختل خواهد نمود.

گاه، واژگی مانند «ل» را که بازتابنده تأکید است دلیل قسم می‌دانند، مانند مفهوم مراد جمله‌واره «لأفعلن» که در حقیقت «والله لأفعلن» است. نمونه بارز این گونه قسم در آیه ۱۸ سوره شریفه «اعراف» است که می‌فرماید:

۹. ۲. «قَالَ اخْرُجْ مِنْهَا مَذْذُورًا مَّدْحُورًا لَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكُمْ أَجْمَعِينَ» (اعراف، ۱۸)

خداوند به ابلیس فرمود: «از این مکان بیرون شو نکوهیده و مطرود! و آن مردمان که از تو پیروی کنند، محققاً جهنم را از مجموع شماها «تو و پیروانت» پر خواهم فرمود. (صفارزاده، ص ۳۱۸)

۱. مخزن العرفان، ج ۳، ص ۲۶۳.

۲. تفسیر المیزان، ج ۲۰، ص ۲۳۷.

فرمود: نکوهیده و رانده، از آن (مقام) بیرون شو، که قطعاً هر که از آنان از تو پیروی کند، جهنم را از همه شما پُر خواهم کرد. (فولادوند)
 فرمود: از آن مقام با ننگ و خفت دور شو، جهنم را از تو و پیروانت پُر خواهم کرد. (پورجوادی)

(Allah) said: Get out from this, despised and expelled. If any of them follow thee, - Hell will I fill with you all. (Yusuf Ali, 152)

He said: "Get out of here, despised, rejected! I'll fill Hell with all of those who follow you. (Irving, 152)

He said: Go forth from hence, degraded, banished. As for such of them as follow thee, surely I will fill hell with all of you. (Pickthall, 141)

در این آیه شریفه «لَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ» واج «ل» برای توطئه قسم به کار گرفته شده و جواب قول خداوند «لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ» است. یعنی: به خدا که هر آنکه بر پی تو رود [توی شیطان و پیروانت]. این کلام غایت تهدید و وعید است.^۱

قسم مضمرا این آیه در جمله‌واره «لَمَنْ تَبِعَكَ» نهفته است. معنای این جمله‌واره چنین است: و سوگند یاد فرمود: هر که از تو تبعیت و پیروی کند... بنابراین انتظار می‌رود مترجم در برگردان آیه فوق‌الذکر به گونه‌ای عمل کند که مخاطب خود را از وجود قسم مضمرا آگاه سازد. سازوکار انعکاس قسم مضمرا در زبان هدف اعم از فارسی یا انگلیسی، کاربرد قسم آشکار است.

در برگردان‌های فارسی و انگلیسی نشانه‌ای دال بر کاربرد قسم به چشم نمی‌خورد. تنها تفاوت موجود در این برگردانها استفاده از کلمات تأکیدی است که صفارزاده، فولادوند و پیکتال به کار گرفته‌اند. خاطر نشان می‌شود، علی‌رغم اینکه قسم یکی از سازوکارهای تأکید به شمار می‌رود، لیکن مؤلفه و ویژگیهای تأکید را منعکس نمی‌کند، بلکه بازتابنده نوعی ویژگی و کارکردی است که بیانگر قطعیت رخداد فعلهای (پاره) گفتار است.

۱۰. ۲. «ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ أَيُّنَ مَا تُقْفُوا إِلَّا يُحِبُّوا مِنَ اللَّهِ وَحَبْلٍ مِنَ النَّاسِ...» (آل عمران، ۱۱۲)

هر کجاده شوند مهر خواری بر پیشانی آنها خورده، مگر به خداوند متوسل شوند، توبه کنند و دست از نافرمانی بردارند یا از ارتباط مردم سود جویند، به صورت زنهار خواهی و

□ ۳۱ ضرورت تقدیر قَسَم مضمَر و شبه قَسَم ...

استدعای کمک ... (صفا زاده، ۱۳۴)

هر کجا یافته شوند، به خواری دچار شده‌اند، مگر آنکه به پناه امان خدا و زینهار مردم (روند) ... (فولادوند)
هر کجا باشند محکوم به ذلت و خواری‌اند، مگر در امان خدا و در امان مردم باشند... (پورجوادی)

Shame is pitched over them (like a tent) wherever they are found, except when under a covenant (of protection) from Allah and from men; (Yusuf Ali, 64)

Disgrace will be branded on them wherever they are overtaken unless they have a bond |leading| to God and a bond with other men (Irving, 64)

Ignominy shall be their portion wheresoever they are found save (where they grasp) a rope from Allah and a rope from men (Pickthall, 61)

این آیه خبر از امر خارجی نمی‌دهد و باید آن را به عنوان جمله تشریحی در نظر گرفت. ضمناً قَسَمی که به صورت نهفته در معنا و مفهوم آیه وجود دارد نیازمند انعکاس در زبان هدف است. در اینجا قَسَمی که دریافت می‌شود حاکی از سرنوشتی است که نافرمانان به آن گرفتار شده و می‌شوند. عدول از مقررات الهی و نافرمانی خداوند تعالی سبب ذلت و خواری می‌شود. بنابراین، برای نجات بشر از مشکلات و ناگواری‌ها توسل و اجرای احکام قرآن الزامی به نظر می‌رسد. از سیاق آیه بر می‌آید که مفهوم تشریحی «حَبْلِ مَنْ النَّاسِ» در عهد و پیمان یهود با مردم و قبول پرداخت جزیه نهفته است. از سویی این پیمان بیانگر رابطه و تعهد متقابل در جامعه اسلامی و رعایت حقوق یکدیگر است. بنابراین «حَبْلِ مَنْ اللّٰهِ وَ حَبْلِ مَنْ النَّاسِ» اشاره به عهد خداوند و عهد مؤمنان دارد. در ضمن، تکرار واژه «حبل» نشان دهنده ایمان و اتحاد است. متأسفانه در هیچ یک از برگردان‌های فارسی اشاره‌ای به قسم نشده و حتی اشاره‌ای ارجاعی که حاکی از تشریحی بودن کلام است صورت نگرفته است. در ترجمه‌های انگلیسی هر چند اشاراتی به عهد و پیمان شده لیکن هیچ یک از پاره‌گفتارها بیانگر قسم نیستند. در این میان، پیکتال با توضیح در پاورقی، هم اشاره به پیمان یهودیان مدینه کرده، و هم جنبه تشریحی آیه را به نحوی به مخاطب انگلیسی زبان انتقال داده است.

۱. پیکتال در پانوشت معنای واژه «حبل» را پیمانی می‌داند که حضرت رسول (ص) با یهودیان مدینه بسته بودند.

شبهه قسم

در مقال قرآن، واژگان ویژه‌ای مانند: «کتب» یا «تأذّن» وجود دارند که معنا و مفهوم قسم را به مخاطب انتقال می‌دهند. به این گونه پاره‌گفتارهای کلامی که در برگیرنده واژگان مذکور باشند شبهه قسم گفته می‌شود. به جهت عینیت بخشیدن به این موضوع به دو آیه ذیل توجه کنید:

۱. ۳. «وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكَ لِيُبْعَثَنَّ عَلَيْهِمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ يَسُومُهُمْ سُوءَ الْعَذَابِ...» (اعراف، ۱۶۷)

و ای پیامبر! یادآور باش: زمانی را که آفریدگار - پروردگارت اعلام فرمود که تا قیامت بر قوم یهود کسانی را خواهد گماشت که مدام به آنها عذاب دردناک بچشانند؛ ... (صفارزاده، ص ۳۶۰)

و (یادکن) هنگامی که پروردگارت اعلام داشت که تا روز قیامت بر آنان (یهودیان) کسانی را خواهد گماشت که بدیشان عذاب سخت بچشانند. (فولادوند)

هنگامی که پروردگارت اعلام کرد تا روز قیامت کسی را بر آنها بگمارد که به طور مداوم آنها را در عذاب سختی قرار دهد. (پورجوادی)

Behold! thy Lord did declare that he would send against them, to the Day of judgment, those who would afflict them with grievous chastisement. (Yusuf Ali, 172)

So your Lord announced that He would send someone against them who would impose the worst torment on them until Resurrection Day. (Irving, 172)

And (remember) when thy Lord proclaimed that He would raise against them till the Day of Resurrection those who would lay on them a cruel torment. (Pickthall, 159)

۲. ۳. «كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ» (مجادله، ۲۱)

خداوند براساس علم و اسعه چنین حکم صادر فرموده است: «من و پیامبرانم محققاً همواره پیروز خواهیم بود». همانا خداوند آن بی‌همتا قدرتمند شکست ناپذیر است، پس، پیروزی به واسطه قدرت مطلق خداوند و تقدیر الهی امری مسلم است. (صفارزاده، ص ۱۳۱۲)

خداوند مقرر کرده است که: حتماً من و فرستادگانم چیره خواهیم گردید. آری، خدا نیرومند شکست ناپذیر است. (فولادوند)

خداوند چنین مقرر داشته است: من و رسولانم پیروز می‌شویم. زیرا خدا نیرومند شکست ناپذیر است. (پورجوادی)

□ ۳۳ ضرورت تقدیر قَسَم مضمَر و شبه قَسَم ...

Allah has decreed: It is I and My messengers who must prevail: For Allah is Strong, Mighty. (Yusuf Ali, 544)

God has written: I shall prevail, both I myself and My messengers!" God is Strong, Powerful. (Irving, 544)

Allah hath decreed: Lo I verily shall conquer, I and My messengers. Lo! Allah is Strong, Almighty. (Pickthall, 554)

این ترجمه‌ها به مخاطب فارسی / انگلیسی مفهوم و معنای قسم و چیزی شبیه به آن را انتقال نمی‌دهند. علت این امر شاید عدم تشخیص شبه قسم در متن زبان مبدأ باشد. وقتی مترجم از وجود عنصری در متن زبان مبدأ غفلت کند، انتظار نمی‌رود در متن زبان هدف آن عنصر مغفول منعکس شود. احتمال دیگر شاید مربوط به نبود مقولهٔ زبانی شبه قسم در زبان هدف (فارسی / انگلیسی) باشد. ولی این کاستی باید به گونه‌ای مرتفع شود. پیشنهاد می‌شود مترجم با به کارگیری نزدیک‌ترین معادلی که برخوردار از ظرفیت انعکاس شبه قسم باشد این معضل را برطرف نماید. راهکار دیگر، بهره‌گیری از تعدیلات ممکن در زبانهای هدف است. و بالاخره اینکه در پانوشت مخاطب زبان هدف از وجود این عنصر معنا محور آگاه‌گردد.

پیشنهاد و کاربرد واژه «محققاً» از سوی صفارزاده و verily از جانب پیکتال هرچند سازوکار تأکید هستند و منعکس کنندهٔ مؤلفه‌های شبه‌قسم نیستند، ولی در مقام مقایسه، برگردان‌هایی متمایز و در نتیجه برتر هستند.

نتیجه

قَسَم یکی از شیوه‌های تأکید و استوارسازی سخن است که به اهدافی همچون تقویت قول قائل و به منظور برطرف کردن شک و تردید بیان می‌شود. معمولاً متکلم با این ذهنیت که واقعیت وجود مستقل از زبان ندارد بلکه واقعیت به وسیلهٔ زبان ایجاد می‌شود، جملهٔ قسم را بیان می‌کند. از این رو، این گزاره‌ها (جملات قسم) همانند گزاره‌های خبری قابل صدق و کذب نیستند. از نگاه فلاسفهٔ زبان، قسم کارگفت تعهدی و التزامی است از این جهت که یاد کنندهٔ قسم خود را متعهد و ملزم به انجام عملی می‌داند. در نظر داشته باشیم که این مقولهٔ جهانشمول تحت تأثیر شرایط و زمینه‌های خاص زبانی و غیرزبانی بیان می‌شود. از این رو کاربرد آن ممکن است در یک زبان با زبان دیگر متفاوت باشد. به طور کلی کاربرد قسم با

توجه به شرایط و عوامل حاکم بر سخن صورت می‌پذیرد.

برآیند این بررسی نشان می‌دهد که:

الف: مترجمان در انعکاس و انتقال قسم مظهر به استثنای مواردی موفق بوده‌اند.

ب: در برگردان آیه ۶۵ سوره نساء بازتابی از ضمیر متصل تشریفیه «ک» دیده نمی‌شود.

ج: در هیچ یک از برگردان‌های فارسی / انگلیسی به نقش نحوی - بلاغی واژگ «ت» در قسم «تالله» پرداخته نشده است.

د: ایروینگ انتقال معنایی غلطی از آیه ۴۰ سوره حاقه را به مخاطب پیشنهاد داده است.

ه: مترجمان در برگردان قسم مضمَر در آیه ۷۲ سوره حجر موفقیت‌هایی داشته‌اند.

و: در برگردان نمونه‌های دیگر قسم مضمَر از جمله سوره‌های: ابراهیم ۷، عنکبوت ۷، محمد ۳۱، آل عمران ۱۸۶ و مریم ۷۱ به دلیل تشخیص نادرست این مقوله در زبان مبدأ، از سازوکارهای روساختی زبان مبدأ استفاده ناصواب شده است. تقدیر قسم مضمَر به ویژه در زبانهای فارسی و انگلیسی لازم به نظر می‌رسد.

ز: مترجمان در برگردان آیه ۷۱ سوره مریم، بدون توجه به معنای آیه که حاکی از قطعیت رخداد ورود به جهنم و تقدیر قسم «والله» است، از به کارگیری (تقدیر) قسم غفلت کرده‌اند.

ح: در برگردان آیه ۷۲ سوره مبارکه «طه» تنها پورجوادى از عهده انعکاس و انتقال قسم التزامی برآمده است.

ط: در انعکاس و جایگزینی قسم مضمَر در آیه ۱۸ سوره «مرسلات» فقط صفارزاده موفق بوده است.

ی: هیچ یک از مترجمان در انتقال و جایگزینی شبه قسم موفق نبوده‌اند.

این بازخوردها رویکرد جدیدی در پاسخ به سؤال مطرح شده فراروی ما قرار می‌دهد که مترجم باید در برگردان قسم با سازوکارهای قسم زبان مبدأ آشنا باشد و در تشخیص و شناخت دقیق آنها کوشش نماید و با توجه به ظرفیت‌ها و امکانات زبان مقصد، جایگزین‌سازی مناسبی درخور شرایط حاکم بر تبلور و پیدایش ارزش ارتباطی است پیشنهاد نماید. عدم شناخت یا دریافت ناصواب از یک مقوله زبانی چه بسا ممکن است موجب اختلاف در نظام معنایی پیام شود که قطعاً کاستیها و لطمات جبران‌ناپذیری به همراه خواهد داشت. مترجم باید ضمن فراهم کردن شرایط در جهت تعامل تأثیر متقابل متکلم و

□ ۳۵ ضرورت تقدیر قَسَم مضمر و شبه قَسَم ...

مخاطب، تمهیداتی را بیندیشد تا متن زبان هدف از نظر ارزش ارتباطی با متن زبان مبدأ همسنگ شود. این هدف قطعاً دست یافتنی است.

□

منابع: فارسی / عربی

- اصفهانی، محمد حسین (۱۴۰۹ هـ.ق)، بحوث فی الاصول [طلب و اراده] قم، انتشارات جامعه مدرسین.
- الطبرسی، امین الدین ابو علی الفضل (۱۴۱۲ ق)، تفسیر جوامع الجامع، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، سه جلدی.
- الطبرسی، امین الدین ابو علی الفضل (۱۳۶۰ ش)، ترجمه مجمع البیان، (ترجمه سید ابراهیم میرباقری و دیگران)، انتشارات فراهانی، ۲۷ جلدی.
- بانوی اصفهانی (۱۳۶۱ ش)، مخزن العرفان در علوم قرآن (کنز العرفان)، تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۰ جلدی.
- بلاغی، سید عبدالحجت (۱۳۴۵ ش)، حجة التفاسیر و بلاغ الاکسیر (تفسیر بلاغی)، قم، چاپ حکمت، ۱۰ جلدی.
- پورجوادی، کاظم (۱۳۷۲ ش)، قرآن مجید، تهران، انتشارات بنیاد دایرة المعارف اسلامی (چاپ اول).
- حسینی الهمدانی، سید محمد (۱۳۸۰ ق)، انوار درخشان در تفسیر قرآن، تهران، کتابفروشی لطفی، ۱۸ جلدی.
- خسروانی، شاهزاده علی رضا میرزا (۱۲۹۰ ق)، تفسیر خسروی، تهران، چاپ اسلامی، ۸ جلدی.
- زرکشی، بدرالدین (۱۳۷۶ م)، البرهان فی علوم القرآن، بیروت، داراحیاء الکتب العربیه.
- سیوطی، جلال الدین (۱۴۱۶ ق)، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت، دارالفکر.
- شریف لاهیجی، بهاء الدین محمد شیخ علی (۱۳۶۳ ش)، تفسیر شریف لاهیجی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی علمی، ۴ جلدی.
- صفارزاده، طاهره (۱۳۸۷ ش)، قرآن حکیم، تهران، پارس کتاب.

طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۶۳ ش)، ترجمه تفسیر المیزان، (ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی) قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۲۰ جلدی.

عاملی، ابراهیم (۱۳۶۳)، تفسیر عاملی، مشهد، کتابفروشی باستان، ۸ جلدی.

فولادوند، محمد مهدی (۱۳۷۳ ش)، قرآن مجید، قم، دارالقرآن الکریم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.

نجفی، محمدجواد (۱۳۶۴ ش)، تفسیر آسان، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۵ جلدی.

□

منابع: انگلیسی

Crystal, David, (2001). *The Cambridge Encyclopedia of the English Language*. Cambridge: Cambridge University Press.

Irving, T.B. (2005). *The Qur'an (The Noble Reading)*. Tehran: International Publishing Co.

Pickthall, Marmaduke (?). *The Glorious Qur'an*. Tehran: Entesharat Salehi

Searl, John (1979). *Expression and Meaning*. Cambridge: Cambridge University Press.

Stern, David. G. (2004). *Wittgenstein Philosophical Investigations*. Cambridge: Cambridge University Press.

Yusuf Ali, Abdulah. (2004/1383). *The Glorious Qur'an*. Tehran: Jajarmi Publication.

■